

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((باهمکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۱۹/۵۷۴۴ رده بندی کنگره: الف ۷۸۵۵/۹۰۳

گفتمان سیاست جنایی در رمان "بینوایان"

سلامه ابوالحسنی^۱

گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

کوثر رفیعی پور^۲

دانشجوی دوره ی کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

چکیده

"بینوایان" برجسته ترین اثر ویکتور هوگو است؛ در سال ۱۸۶۲ منتشر شده است. هوگو با نگرشی متفاوت عملکرد نادرست قدرت حاکم و انحرافات ثانوی را در این رمان به تصویر کشیده است. وی سیمای سیاست جنایی را در رمانی به سبک رمانتیسیم و توسط چهارگروه دلدادگان، بزهکاران، مطرودین جامعه پیش چشم نهاده است. با تمرکز بر نهادهای عدالت کیفری به تشریح فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی حاکم بر سده نوزدهم پرداخته است. هر فصل این رمان نشان از این دارد که آدمی در فرآیند فشارهای ساختاری ناشی از جامعه و فرآیند برجسب زنی و ساختار معیوب سیاست جنایی به بزهکاری روی می آورند. ویکتور هوگو با خلق شخصیت هایی چون بازرس ژاور (نماد قانون) و اسقف میرل (نماد بخشش) به جدال بین قانون و اخلاق پرداخته که شریعت و داوری آن هرگز انسان را رها نمی سازد. خودکشی بازرس ژاور مخاطب را به این باور می رساند که هرگاه قانون در تغییر بزهکار ناتوان بماند، بهتر است فرصتی به بخشش بدهد تا شاید

^۱ نویسنده مسئول

^۲ rafieepursara@gmail.com

موفق‌تر عمل کند. با تحلیل اثر مذکور و دیگر آثار ادبی، امید است این باور پدید آید که رویکرد جرم‌شناسی به جرم، با خوانش ادبیاتی می‌تواند راهکاری برای توسعه علوم باشد و بر رویه‌های قضایی نیز تأثیر بگذارد و سیاست جنایی با تکیه بر فرهنگ داستان جان تازه‌ای بگیرد. بعید نیست در آینده نزدیک، ادبیات داستانی منبعی برای آگاه‌سازی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران برای اصلاح امور تلقی شود.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، سیاست جنایی، مدل توتالیتیر، ادبیات جنایی، بزه دیدگی، سیاست کیفری مدارا

مقدمه

"بینوایان" اثر ویکتور ماری هوگو (۲۶ فوریه ۱۸۰۲ - ۲۲ مه ۱۸۸۵) شاعر، داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس پیرو سبک رمانتسم فرانسوی بود. او یکی از بهترین نویسندگان و پایه‌گذار ادبیات رمانتیک فرانسه است. آثار او به بسیاری از اندیشه‌های سیاسی و هنری رایج، در زمان خویش اشاره کرده و بازگوینده تاریخ معاصر فرانسه می‌باشد. از برجسته‌ترین آثار او می‌توان بینوایان، گوژپشت نتردام و مردی که می‌خندد را نام برد. هوگو از هیچ فعالیت بشردوستانه‌ای چشم‌پوشی نمی‌کرد. بسیاری از نوشته‌های او، از جمله تلاش ژان والژان در "بینوایان" برای آزادی از زندان، با نگاه عمیقی به سیاست، فقر، عدالت و فلسفه‌ی اخلاق گره خورده‌اند. هوگو یک فعال حقوق بشر تمام عیار بود. سال ۱۸۴۸ بعد از وقوع انقلاب فرانسه، نماینده‌ی مردم شد و مقام بالایی را در دولت فرانسه به دست آورد. او علیه اعدام و بی‌عدالتی اجتماعی سخنرانی کرد و بعدها در مجمع قانون‌گذاری و مجمع وابسته به قانون اساسی انتخاب شد. آن‌طور که خودش می‌گوید، طرفدار سه اصل اساسی بوده است: «قاعده در سبک، دقت در تفکر و تصمیم‌گیری در زندگی» او در هر چیزی که می‌نوشت، بخشی از وجود خود را به‌نمایش می‌گذاشت. انزجار او از شیوه‌ی برخورد با فقرا، شرایط زندان و فساد نظام قضایی فرانسه را به‌وضوح می‌توان در "بینوایان" دید. هوگو همواره به سه اصل اساسی خود وفادار ماند. سبکی قاعده‌مند تنظیم کرد، تفکراتش را با دقت

دسته‌بندی نمود و تصمیم گرفت با همه‌ی درماندگان و بینوایان همدلی کند. او در بینوایان در خلال سایر شخصیت‌ها، محکومی را بنام ژان والژان با توجه به اوضاع و احوال و دیدگاه‌های سیاسی جامعه به تصویر کشید و توانست در قلب مخاطبانش نفوذ کند. محکومی که سال‌های زندان تغییرش نداد و پس از بیرون آمدن از زندان برای اجاره اتاق به یک مهمانخانه می‌رود ولی به دلیل داشتن نشانه زردرنگ بر روی کارت شناسایی‌اش، که نشانی از دوره محکومیت در کار اجباری است، موفق به اجاره اتاق نمی‌شود و در خیابان می‌خوابد. در این زمان با اسقف میرل آشنا می‌شود. اسقف به او پناه می‌دهد. روند داستان از این نقطه شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و والژان تعدادی از ظروف نقره اسقف را می‌دزدد و وقتی توسط پلیس دستگیر می‌شود، با رفتار خیرخواهانه‌ی اسقف کلیسا مواجه می‌شود که دو شمعدانی نقره نیز به او می‌دهد و می‌گوید که این‌ها را خودم به والژان داده‌ام و شمعدانی‌ها را هم جا گذاشته بوده است. این همان جایی است که روند تغییر در تفکر و شخصیت **ژان والژان** آغاز می‌شود. شمعدانی‌هایی که نشانی از نور و روشنایی در تاریک‌ترین لحظه‌های زندگی ژان والژان دارند. در زمانی که جامعه به او فرصت بازگشت نمی‌داد. و چاره‌ای برای او باقی نگذاشت جز بازگشت به زندگی قبلی. ژان والژان بعد از دزدی از کلیسا، با اسقفی مواجه شد که نه تنها او را محکوم نکرد بلکه با بخششی که حق او نبود به او فرصتی برای عوض شدن داد. بر همین اساس نویسنده جدال قانون و بخشش را از منظر ژان والژان و اسقف کلیسا به رشته‌ی تحریر درآورده است. و به بررسی چالش‌های حقوقی و اجتماعی این مفاهیم می‌پردازد.

بازرس ژاور نماد قانون و شریعتی است که حکم محکومیت انسان را در دستان خود دارد. باوجودی که شاهد عوض شدن ژان والژان است. و او را فرد مفیدی برای جامعه می‌داند ولی کماکان از نگاه او، والژان به خاطر گذشته‌ی خود محکوم است. والژان با دو نگاه متفاوت به خود روبروست؛ پدر روحانی در کلیسا که بدون توجه به گذشته‌اش او را می‌پذیرد و حتی در مقابل گناه از خود گذشت نشان می‌دهد. و در نگاه بازرس ژاور گناهکار و مستحق تنبیه است. حتی اگر تبدیل به شخص دیگری شده باشد. تعهد نزد نویسندگان فرانسوی ریشه در تحولات سیاسی و اجتماعی قرن نوزده دارد مانند بسیاری از

شاعران و نویسندگان نسل رمانتیک، هوگو نیز نویسنده‌ای متعهد بود اما این تعهد به شیوه‌ای خاص در آثارش متبلور می‌گردید: زیرا که هوگو به‌عنوان یک نویسنده در کنار خلق آثار ادبی، خود شخصاً به معنای واقعی درگیر مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی خویش بود (معظمی فراهانی ۱۳۸۸: ۱). از این رو دغدغه‌های او در امور اجتماعی واجد اهمیت است خصوصاً از جهت جرم‌شناسی حقوقی و سیاست جنایی. جرم‌شناسی حقوقی^۱ به‌عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی، از یک سو کارنامه سیاست جنایی و حقوق کیفری و از سوی دیگر، مشروعیت این دو، یعنی علمی و عادلانه بودن آن‌ها را بر اساس نظریه‌ها و یافته‌های جرم‌شناسی ارزیابی و نقد می‌کند و به مناسبت، نهادهای جدید جایگزین و اصلاح نهادها و وسایل موجود مبارزه با جرم که به لحاظ حقوق بشر آن‌ها را قاعده‌مند می‌نماید به قانون‌گذار توصیه می‌کند (نجفی ابرند آبادی ۱۳۹۱: ۱۸۸). آموزه‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی در خارج از قلمرو و جامعه انسانی مفهومی نداشته و این آموزه‌ها با رویکرد مشخص در اثر تعامل و ارتباط با ساختارهای مختلف جامعه پدیدار می‌شود (رستمی، جعفریان، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰). همچنان که ادبیات، واکنش در برابر پدیده‌های ناهمگون و تفکر برانگیز اجتماعی و فردی است، شناخت اندیشه‌های جرم‌شناسی نیز ماحصل پرسش‌هایی است که در باب مقابله و مواجهه با پدیده‌ای ناهمگون و ناهمساز با دیگر امور اتفاقیه و فردی و اجتماعی (پدیده‌ی مجرمانه) به وجود آمده است. از این رو، شکلی از بسیاری از مسائل کنونی مطرح در جرم‌شناسی را می‌توان در ادبیات فارسی به دست آورد. (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۵) عدالت، صلح پرهیز از افراط کاری، خردورزی، تقدس، آزادی، برابری، برادری. احترام به انسان، پایه‌های اساسی تمدن، حقوق و جامعه‌اند. این مقولات نه به حقوق تعلق دارند و نه به ادبیات، اما هم از آن این‌اند و هم از آن دیگری. یگانگی عمیق تفکر بشری بر هر دو تکیه دارد. حقوق با خشکی و موشکافی تفکر را در عمل اعمال می‌کند، ادبیات باظرافت، جذابیت، به نحوی عمیق اما نه دقیق این تفکر

^۱ - جرم‌شناسی حقوقی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی است، که بر خلاف دو شاخه‌ی دیگر آن یعنی جرم‌شناسی بالینی و جرم‌شناسی پیشگیری بیش از یک دهه است در ایران مطالعه می‌شود، کمتر شناخته و به آن پرداخته شده است. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱)

را غنا می‌بخشد و گسترش می‌دهد. ما به هر دو نیازمندیم و نمی‌توانیم از این یا از آن صرف‌نظر کنیم (مالوری، ۱۳۸۱: ۱۳). بر همین اساس پژوهش حاضر با بررسی این اثر در پی پاسخ به این پرسش اصلی است، نقش و توجه ادبیات داستانی به سیاست جنایی جامعه در شکل‌گیری آن تا چه اندازه می‌تواند موثر باشد؟ و دوم اینکه شناخت اجزا و عناصر سیاست جنایی و تأثیر سیاست کیفری انسان مدار در مجازات بزهکار می‌تواند سودمند باشد؟ از این رو نگارنده تلاش بر این دارد که با تکیه بر تحلیل محتوا نسبت به مفهوم سیاست جنایی پردازد و سپس با گفتگو در خلال داستان بتواند با گفتمان، سیمای سیاست جنایی در داستان را شناسایی کند. هدف از تبیین و شناخت این پیوندها "فربه‌تر کردن" علوم جنایی است چرا که ادبیات اقیانوس اندیشه و اطلاعات است. بی‌شک این روش پژوهش در ادبیات فارسی و جرم‌شناسی نقطه‌ی تبلوری عرضه می‌کند که طی آن آگاهی حقوقدانان و کیفرشناسان را درباره‌ی جرم و مجرم، فراتر از تنبیه صرف قرار داده و در انسان و جامعه متمرکز می‌نماید (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۵). و به مطالعات جرم‌شناسی غنا و وسعت می‌بخشد.

بخش اول: شناخت مفهومی سیاست جنایی^۱

هر جامعه دارای هنجارها و ارزش‌هایی می‌باشد. برخی از این ارزش‌ها، شکل قانونی به خود گرفته و نرم‌اتیوخته نامیده می‌شود نقض آن، جرم را به وجود می‌آورد. برخی دیگر از ارزش‌ها، نرم‌الیه‌ها یا ارزش‌های اجتماعی و غیرحقوقی می‌باشند که نقض آن‌ها انحراف

^۱ اصطلاح «سیاست جنایی» به عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی علمی، نخستین بار توسط آن سلم فون فوئر باخ به کاررفته است. این عنوان از دو جزء «سیاست» و «جنایت-جنایی» تشکیل شده است. واژه‌ی سیاست در معانی متعددی استعمال می‌شود. لسان العرب می‌گوید: "سوس" به معنی ریاست است و سیاست نیز در مفهوم «تصدی برای حفظ مصالح مردم» می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۰۸). گاه نیز سیاست به معنای اداره‌ی کشور و حکم راندن و رعیت داری است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۳۸۶۵). بنابراین، سیاست در لغت به معنای توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره‌ی امور به نحو مطلوب است. جنایت نیز همانند سیاست، کلمه‌ای عربی است که از ریشه‌ی جنی به معنای گناه کردن، چیدن میوه از درخت (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۷۸۶۵) و جرم (عمید، ۱۳۷۵: ۴۷۱) آمده است. عده‌ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح، از «گناه» فارسی اخذ کرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۵۷۱).

نامیده می‌شود. پاسخ به نقض این هنجارها نیز یا از طرف دولت است و یا از طرف جامعه مدنی (دلماش مارتی، ۱۳۸۱: ۸۰ و ۸۳). به عبارت دیگر بزه، انحراف، دولت و جامعه مدنی، چهارعنصر ثابت سیاست جنایی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. در رمان بینوایان، هر یک از این عناصر چهارگانه را می‌توان یافت و بدینوسیله سیاست جنایی حاکم بر جامعه عصر هوگو را مورد بررسی قرار داد. برای درک بهتر اندیشه‌های ادبی و پیوند آن با سیاست جنایی، لاجرم باید پیشینه و معنای لغوی آن توجیه شود. اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی تعریف واحدی ارائه نداده‌اند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۳) در عدم صراحت این اصطلاح، همین بس که با بیش از دو سده قدمت، محتوا و حدود متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است تا جایی که متخصصان حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدعی وجود نوعی پارادوکس در این تعاریف هستند. پیشینه‌ی تاریخی "سیاست جنایی" و مفهوم آن به عقیده‌ی فوئر باخ، سیاست جنایی مجموعه شیوه‌های سرکوبگرانه‌ای است که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (لازرژ، ۱۳۷۵: ۹). کوش در اوایل سده‌ی بیستم (۱۹۰۵) به تعیین جایگاه سیاست جنایی در میان سایر رشته‌های علوم جنایی پرداخت بیش از یک ربع قرن پس از کوش، دندی یودو وایر می‌گوید: "سیاست جنایی" یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه‌ی مؤثر علیه جرم را میسر می‌سازد (لازرژ ۱۳۸۱: ۱۳). لذا سیاست جنایی شامل همه‌ی شیوه‌هایی نمی‌شود که دولت ممکن است در اختیار داشته باشد و علیه بزهکاری به اجرا گذارد. بنابراین سیاست جنایی "پیشگیری" را در بر نمی‌گیرد. در این مفهوم امر پیشگیری از وظایف دولت است؛ زیرا پیشگیری به هر میزان که مؤثر واقع شود، موجب محو کامل پدیده‌ی مجرمانه نیست. این طرز تفکر تا اواسط سده‌ی بیستم بر اندیشه‌ی اندیشمندان علوم جنایی حاکم بوده است. با ظهور مکاتب فلسفی و کیفری پس از جنگ جهانی دوم مفهوم سیاست جنایی دچار تحول گشت. به عقیده‌ی مارک آنسل سیاست جنایی، علاوه بر جرم به عنوان یک مفهوم قانونی و سرکوبی و مجازات بزهکاری، با ابزارها و نظام کیفری، به "انحراف" و کژروی به عنوان یک مفهوم اجتماعی نیز می‌پردازد و توجه زیادی به پیشگیری از جرم دارد. مارک

آنسل سیاست جنایی را به سازمان‌دهی عقلانی واکنش اجتماعی علیه بزهکاری تعریف کرده است (آنسل ۱۳۷۵: ۵۱). تکیه سیاست جنایی نوین به استفاده از تمامی روش‌ها و ابزارهاست. خصوصاً به روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجی‌گری به جای استفاده‌ی صرف از روش‌های سرکوب‌گر می‌پردازد (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۷، ۲۶). لذا از این پس سیاست جنایی تنها در پی سرکوب مجرم نیست.

بخش دوم: تحلیل بینوایان از منظر سیاست جنایی^۱

در هر فصل رمان مذکور، هوگو زندگی فردی شخصیت‌های داستان را عمیقاً با زبان ایما و اشاره به نقد و آسیب‌شناسی نهادهای عدالت کیفری پیوند می‌زند. توسط شخصیت محکومی بنام ژان والژان که بعد از پانزده سال از زندان آزاد شده جامعه او را نمی‌پذیرد و روزهای سختی را زندگی می‌کند. توسط شخصیت فانتین مادری فقیر که موها و دو دندانش را حراج می‌کند و در نهایت از سر فقر به فاحشگی رو می‌آورد و از اجتماع طرد می‌شود، توسط شخصیت اسقف کلیسا که اعدام یک محکوم تأثیر عمیق و دردناکی به جانش می‌اندازد و رؤیای عدالت اجتماعی به جانش می‌افتد و به سرزنش وجدان دچار می‌شود و توسط سایر شخصیت‌ها به نظام مجازات‌ها و روش‌های پاسخگویی در برابر جرم، نوع نگاه اجتماع به مجرم و در مجموع به سیاست جنایی زمان خود می‌پردازد. در حقیقت سیاست جنایی بر اساس، مفهوم موسع آن، در چهارچوب یک روش کلی و هدفمند از عوامل و زیر ساخت‌های گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. در این میان سیاست یاد شده به شدت تحت سیطره‌ی اندیشه‌ها، مکاتب و جریان‌های فرهنگی و سیاسی حاکم بر هر جامعه قرار دارد و این آموخته‌های کلی هستند که در قالب سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی به تبیین راهبردهای اصولی، به منظور پدیده‌های بزهکاری می‌پردازد. افزون بر آن، یافته‌ها و دستاوردهای علوم جنایی نظام حقوق بشری، نقش مهمی بر روند شکل‌گیری و مسیریابی

^۱ - سیاست‌های جنایی نسبت معنا داری با نظام سیاسی و اجتماعی حاکم دارد. بر همین اساس، برای سیاست جنایی مدل‌های مختلفی ذکر کرده‌اند. در ادامه به بررسی آموزه‌های مرتبط با سیاست جنایی و مدل غالب در بینوایان می‌پردازیم.

سیاست جنایی دولت، الفاظ می‌نماید از این رو به اقتضای نوع حکومت‌ها و وضعیت خاص هر جامعه، طبقه بندی‌های گوناگونی از سیاست جنایی با الهام از رهیافت‌های علمی یا آموزه‌های ایدئولوژی وجود دارد (لازرژ ۱۳۷۵: ۳۸). هوگو نیز با توجه به این دیدگاه از طریق شخصیت‌های داستان، سیاست جنایی حاکم بر عصرش را در معنای موسع روایت می‌کند و اقدامات واکنشی از طریق مشخصه‌های آن را مورد توجه قرار می‌دهد. راوی داستان دانای مطلق است که نیاز الزام‌آور دارد به اینکه وضعیت زندان و زندانیان را، وضعیت مجازات‌ها را، دوران پسا کیفری را، تسامح صفر را، ترسیم می‌نماید. بدین‌سان روش سرکوبگری توسط قهرمان اصلی داستان، محکومی که در خود اسیر است و از خودبیگانگی‌اش او را به هر سمتی می‌کشاند نمایان ساخته است. محکومی که عاقبت به سمت مسیر درست برمی‌گردد، آن هم نه توسط قانون و مجازات بلکه با آموزه‌ای دینی و اخلاقی و گذشت اسقف کلیسا. و به رویکرد القایی کیفرهای بدنی وضعیت نامطلوب زندان‌ها خصوصاً مرحله‌ی پسا کیفری و بزهکاری مجدد در فصل‌های متعدد رمان با تبحر اشاره می‌کند؛ اسقف به او نگاه کرد و گفت: "شما خیلی رنج کشیده‌اید" اوه، روپوشی داشتم قرمزرننگ یک گوی آهنی را به پای ما بسته بودند. روی یک پاره تخته می‌خوابیدیم و گرما بود و سرما بود و کار. دائم کار و زحمت بود و دائم کتک خوردن. با کوچک‌ترین اعتراض زنجیرهایمان دولایه می‌شد برای یک کلمه و یک فریاد به سیاه چالمان می‌انداختند. و حتی موقع خوابیدن زنجیرهایمان را باز نمی‌کردند. سگ‌ها از ما خیلی خوشبخت تر بودند. نوزده سال را با این وضع گذراندم حالا چهل شش سال دارم و ورقه‌ی شناسایی من زردرننگ است (هوگو، بینوایان جلد یک: ۱۴۸). روش تحلیل محتوا کار بست مضامین سیاست جنایی را در این اثر به‌روشنی آشکار می‌سازد.

بند اول: پاسخ‌گذاری به بزه و انحراف

پاسخ به بزه و انحراف در هر جامعه‌ای تابعی از مدل سیاست جنایی حاکم بر آن جامعه می‌باشد. این پاسخ بر اساس مدل حاکم، می‌تواند پاسخ دولتی یا جامعه‌وی باشد. پاسخ دولتی پاسخی است که از طرف دستگاه حاکم و اصولاً از طریق قانون اعمال می‌شود.

پاسخ و واکنش‌هایی که جامعه از طریق سه ارگان بزه‌کار، بزه دیده و جامعه مدنی ارائه می‌دهد، پاسخ‌های جامعوی نامیده می‌شود (لازرژ ۱۳۸۲: ۶۱). رمان بینوایان، مجموعه‌ای از پاسخ‌های واکنشی را در برخورد با جرم و انحراف به تصویر کشیده و با دید انتقادی آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در این رمان، پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه عموماً دولتی است و مردم نقش مؤثری در فرآیند پاسخ‌دهی ایفا نمی‌کنند و پاسخ آن‌ها از اظهار نظرهای بی‌پایه و اساس و مبتنی بر نظام طبقاتی حاکم و آزار و اذیت مجرم فراتر نمی‌رود. پاسخ‌دهی دولت به پدیده مجرمانه، از طریق مجازات‌های کیفری صورت می‌گیرد. با توجه به مطالب موجود در کتاب می‌توان پی برد که در آن دوره، میان مجازات‌ها با جرایم ارتكابی تناسبی وجود ندارد. مثل موردی که مردی به خاطر ربودن یک قرص نان به پنج سال زندان محکوم می‌شود یا اینکه از سرگیری رفتار مجرمانه از جانب یک زندانی سابق را به حبس ابد یا اعدام عقوبت می‌دهند (یوسا، ۱۳۷۸: ۳۱۴). مجازات‌ها با ماهیت انتزاعی‌شان بستر اجتماعی جرم را در نظر نمی‌گیرند، مثلاً گرسنگی و نیاز که قاعدتا باید شرایط تخفیف دهنده‌ی سرقه به حساب بیایند؛ از این گذشته قوانینی هستند آلوده به پیش‌داوری‌های جنسی و اخلاقی، مثل موردی که می‌شود فاحشه‌ای را که روی یک آقای بورژوا دست بلند کرده به شش ماه حبس محکوم کرد، هر چند این دفاع را از خود انجام داده باشد. از طرف دیگر، دستگاه قضایی که این قوانین را اعمال می‌کند در معرض خطاست، و دادگاه‌ها عمدتاً به نمایشی هزلی می‌مانند (یوسا، همان اثر ۱۳۷۸: ۳۷). ناهنجاری وضعیت زندان‌ها از دادگاه فاحش‌تر است، چرا که بی‌واهمه از تنبیه دست به شقاوت می‌زنند و در تلاش برای رام کردن مجرمان عملاً باعث ترویج جرم می‌شوند. ژان والژان هنگام اعتراف به هویتش در دادگاه آرا، برای نجات شانماتیو (شخصی که در اثر اشتباه در هویت بازداشت است) این مطلب را بیان می‌کند "قبل از اینکه بروم زندان، یک روستایی بیچاره بودم که عقل و هوش درستی نداشت، می‌شود گفت خنگ بودم. زندان عوضم کرد. ابله بودم و از من آدم خبیثی ساخت؛ هیزم بودم و مرا به مشعلی تبدیل کرد" (بینوایان، ج یک، ص ۲۹۲). زندان و به طور کلی مجازات‌های سالب آزادی اعم از زندان و تبعید) منجر به قطع رابطه زندانی با زندگی عادی، خانواده، کار و دوستانش می‌شود. این

مجازات، علاوه بر محکوم بر خویشان و نزدیکان به ویژه همسر و فرزندان او نیز تحمیل می شود و مستمراً به فروپاشی کانون خانوادگی منجر و فرد را در محیطی مصنوعی قرار می دهد که به معنای واقعی ضد اجتماعی است.» (آنسل، ۱۳۹۱: ۸۹)

بند دوم: مدل های سیاست جنایی در بینوایان

شناسایی هر سیستم جنایی متکی بر عناصری است که نامتغیرند، پدیده هایی که به طور محسوس برای همه ی آدم هایی که در جامعه زندگی می کنند یکی هستند، پدیده هایی در این معنا همگانی (حسینی، ۱۳۹۳: ۴۹) این عناصر عبارتند از: "رفتارهای متضمن" انحراف از هنجارها" و "پاسخ های جامعه" که هر یک از این عناصر با کیفیات و شرایط مختص به خود و روابط اساسی و فرعی بین آنها مقدمه ی معرفی مدل های سیاست جنایی را فراهم آورده (حسینی، ۱۳۷۰: ۶۹) سیاست جنایی هدف دار جهت دستیابی به اهداف خود، به ابزار کارآمدی احتیاج دارد که با توجه به ابزار مورد استفاده ی سیاست جنایی، می توان آن را به سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی تقسیم نمود (لازرز، ۱۳۸۱: ۹۳). سیاست جنایی تقنینی به معنای تدابیری است که دولت با وضع قوانین برای مقابله با پدیده ی مجرمانه می اندیشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱: ۳۶۹) سیاست جنایی قضایی یعنی سیاست جنایی تقنینی آن طور که مورد برداشت، تفسیر و عمل قضات قرار می گیرد (قیاسی، ۱۳۸۵: ۲۹) سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین مشارکت مؤثر و فعال جامعه ی مدنی در سیاست جنایی است (عظیم زاده، حسابی، ۱۳۹۰). آزادی، مساوات و قدرت، سه محور اصلی برای تفکیک و تقسیم بندی مدل سیاست جنایی یک دولت می باشند (صادقی رام، نجفی، ۱۳۹۴) حاکمیت فرانسه در دورانی که رمان نگاشته شده مبتنی بر دو اساس استبداد مطلق و کلیسای کاتولیک است. در حکومت های خود کامه فرد باید عمل خصومت آمیزی انجام داده باشد تا دشمن حکومت تلقی گردد؛ به نقل از هانا آرنست: در حکومت توتالیتز هر فردی که خارج از این چهارچوب باشد قطع نظر از عمل و اندیشه اش، پیشاپیش منحرف شده است، چرا که در گروه های غیر خودی خارج از قانون و حق به شمار می آیند. هوگو با تبیین وضع موجود و عقاید روشنگرانه ی خود، خطایی نظیر

حکم اعدام، دستگاه قضایی، قوانین جزایی و محبس های غیر انسانی، و پیش داوری های دینی، اخلاقی و اجتماعی گسترده، و اتکا دولت به کلیسای کاتولیک، ناخواسته مدلی از سیاست جنایی را حاکم را تبیین می کند که می توان به مدل سیاست جنایی حاکم دست یافت. ماریوس و ژو آنژولا دو پرسوناژ رمان هستند که از بقیه سیاسی ترند عقاید سیاسی ماریوس گواه بر این موضوع است. هرکجا توده های وجود داشته باشد که به عللی به سازمان سیاسی اشتیاق پیدا کرده، وقوع جنبش های توتالیتیر ممکن است (آرنت، ۱۳۹۹). در جامعه ای که مبتنی بر اقتدار گرای فراگیر تک حزبی بوده، تشکیل هر حزب یا گروه غیر مجاز تشکیل می شود. ویکتور هوگو دو شخصیت را سخن گوی خود قرار می دهد تا نه تنها عقاید و نظریاتش را بلکه انحرافات سیاسی و مذهبی آن دوران را نشان دهند. اولی ماریوس و شورشیانی که توسط او رهبری می شوند تا حکومت پادشاهی را سرنگون کنند و دوم آنژولا که به صورت گروهی از متشکل از مجالس، احزاب، انجمن ها برای بی عدالتی علیه وضع موجود اقدام می کند. البته به شکل فردی یعنی به جای آنکه محرکش مانند دسته اول نظریه ها و ایدئولوژی ها باشد از عواطف پاک و اعتقادات دینی و اخلاقی الهام می گیرند. با توجه به آنچه که گفته شد، مدل کلی سیاست جنایی حاکم بر این اثر، به مدل اقتدار گرای فراگیر یا توتالیتیر نزدیک است. البته باید پذیرفت که تقسیم بندی سیاست جنایی بر اساس این مدل ها به مفهوم منطبق بودن کامل یک نظام با آن نخواهد بود.

بند سوم: اهمیت مرحله ی پسا کیفری

"روزی که ژان وال ژان کلمات حیرت انگیز: تو آزاد هستی را به گوش خود شنید زمان در نظرش غیرعادی می آمد. ژان وال ژان از پندار آزادی مبهوت شده بود. در این فکر بود که زندگی تازه ای را آغاز خواهد کرد. اما به محض آنکه ورقه ی شناسایی زردرنگ را به دستش دادند دریافت که آزادی او چگونه و از چه نوع است. در آخرین لحظات زندان نیز، از نو طعم تلخی را چشید؛ با خود حساب کرده بود که اندوخته اش در طی اقامت از زندان باید به صد و هفتاد و یک فرانک رسیده باشد، اما او در این محاسبه فراموش کرده بود که دستمزدهای روزهای یکشنبه و تعطیلات دیگر را که جمعاً در حدود، بیست و چهار

فرانک می‌شد، از این مبلغ کسر کند از آن گذشته وجوهی را نیز بابت عوارض و مالیات و چیزهای گوناگون دیگر از این مبلغ کسر کردند و باقی‌مانده را که صد و نه فرانک بود وقت بیرون رفتن به او دادند و او زیر بار این کم و کسر کردن‌ها نمی‌رفت، و یقین داشت، که به‌ناحق از اندوخته‌ی او برداشت کرده‌اند، و به عبارت دقیق‌تر حقش را دزدیده‌اند (بینوایان، هوگو جلد یک: ۱۸۱).

محکومی که مدتی از عمر خود را در زندان گذرانده است، دوران پس از حبس یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی‌اش محسوب می‌شود. حمایت از او تأثیر بسزایی در فرآیند دوباره اجتماعی شدنش خواهد داشت. مسائل و مشکلات موجود در زندگی عده زیادی از این افراد، چالش‌های فراوانی را در مسیر بازگشت به جامعه به وجود می‌آورد. این مسئله، حتی ممکن است مانع بازسازی زندگی در دوران پس از حبس شود و مسیر زندگی آنان را مجدداً به طرف ارتکاب جرم و به تبع آن زندانی شدن سوق دهد؛ به همین دلیل، شناسایی ابعاد زندگی آنان پس از دوران حبس و نحوه مواجهه آن‌ها با دنیای اجتماعی و چالش‌های موجود در جامعه، فوق‌العاده اهمیت دارد. سیاست جنایی حاکم بر عصر هوگو، در خلال روایتش نشان می‌دهد که تا چه اندازه نسبت به این فرآیند معترض است. بنابراین، هوگو به مهم‌ترین مرحله پس از اعمال کیفر در برگ برگ رمان می‌پردازد. و فضای کیفری آن عصر را به چالش می‌کشد. روز بعد از آزادی، جلوی یک کارخانه‌ی عطری از بهارنارنج، چندین اربه را دید که پشت سر هم توقف کرده بودند، و عده‌ای کارگران، بارها را به انبار می‌بردند او نیز نزد کارفرما رفت و خواهش کرد کاری هم به او بدهند. کارفرما رضایت داد و او به کار مشغول شد. کارفرما از او راضی بود. درگیرودار کار؛ ژاندارمی که از آنجا می‌گذشت، نگاهی به او انداخت، و ورقه‌ی شناسایی‌اش را مطالبه کرد؛ و او ورقه‌ی زردرنگش را نشان داد، و پس از رفتن ژاندارم به کار ادامه داد، در ضمن از کارگری پرسیده بود که برای این کار چقدر دستمزد می‌دهند؟ و او گفته بود: "سی سو" عصر آن روز رفت تا دستمزدش را بگیرد چون می‌خواست صبح زود آنجا را ترک کند. کارفرما بی‌آنکه چیزی بگوید بیست و پنج "سو" به او داد. و او اعتراض کرد، کارفرما در جواب اعتراضش گفت؛ "برای او همین بس است" او از اعتراض دست برنداشت،

کارفرما نگاهی به او انداخت و با زبان محلی گفت "غلاف کن! زندونی!" و در آنجا احساس کرد که حقش را دزیده اند. جامعه و دولت از اندوخته‌ی او کاسته بودند و مبلغ زیادی از او دزدیده بودند. و حالا نوبت مردم بود که مبلغ کمی از مالش را بدزدند آزادی از زندان رهایی نیست آن‌ها که از زندان بیرون می‌آیند از آثار و عواقب محکومیت خلاص نمی‌شوند. "هوگو با روایت‌هایی از این دست می‌کوشید تصمیم کنش‌گران عدالت کیفری به رهاسازی محکومان را به نقد کشانده و از این رهگذر اعلام دارد که بدون حمایت مددکارانه و بازپرورانه نمی‌توان به اصلاح و عدم تکرار جرم بزهکارانی که کیفر بر آن‌ها اجرا گردیده است، امید چندانی داشت (کسمایی، ۱۳۵۷:۳۵). بازپذیری اجتماعی بزهکاران بعد از گذر از اجرای مجازات، بایستی از موضوعات مهم سیاست جنایی قرار گیرد، متأسفانه در دنیای کنونی فرآیند اجرایی کارآمدی ترسیم نشده است. در حالی که با افزایش تکرار جرم و همچنین نهان شدن ناکارآمدی زندان در تحقق اصلاح مجرمین، می‌بایست مرحله‌ی پسا کیفری در جهت بازپروری مجرمان مورد توجه قرار گیرد.

بند چهارم: تفکیک و طبقه بندی زندانیان

مشخص‌ترین واکنش سیاست جنایی به بزهکاری کیفر زندان است. یکی از راه‌هایی که می‌توان توسط آن، بازدهی عملکرد عدالت کیفری را در زمینه پاسخ دهی به زندانیان بهبود بخشید. جداسازی زندانیان است. و این فرآیند از جمله تدابیر عدالت کیفری محسوب می‌شود که پیامدهای مثبت بی‌شمار از حیث جرم شناسانه، حقوقی، و مدیریتی را دارا است. جداسازی زندانیان که مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته است، در اثربخش شدن تدابیر اصلاح و درمان و فرآیند ترمیم نظام شخصیتی بزهکاران نقش آفرین است و در پیشبرد اهداف عدالت کیفری در محیط زندان تأثیرگذار می‌باشد (بولوک، ۱۳۸۵:۱۹۱). زندان محل سلب آزادی شماری از بزهکاران است که هر یک دارای ویژگی‌های متفاوت و گذشته مجرمانه متنوع هستند به همین جهت، در کنار هم قرار گرفتن زندانیان می‌تواند به انتقال تجارب و شگردهای بزهکاری و همچنین شکل‌گیری ارزش‌های زیرزمینی در درون زندان بیانجامد (نجفی ابرند آبادی ۱۳۹۳:۲۳۴). راوی بینوایان در

کتاب اول می‌نویسد: "ژان والژان گریان و لرزان به زندان رفت، و سنگدل و کینه توز از آن بیرون آمد، افسرده و ناامید به زندان رفت و بلا کشیده از آن بیرون آمد، ژان والژان را به اتهام دزدی توأم با شکستن در یک خانه مسکونی در دادگاه محاکمه کردند در خانه‌ی او تفنگی هم پیدا کرده بودند. ژان والژان با این تفنگ گاهی به شکار می‌رفت، و کم و بیش از، شکارچیان غیر مجاز به حساب می‌آمد؛ که این به زیان او تمام شد زیرا درباره‌ی شکار غیرمجاز هم در قانون ماده‌ای وجود دارد که شکارچیان غیر مجاز و قاچاقچیان را در ردیف راهزنان قرار می‌دهد. درضمن این نکته را بگویم که بین راهزنان و قاچاقچیان با تبهکاران فاسد شهر تفاوت بسیار است. کارگاه شکارچی غیرمجاز در جنگل است و کارگاه قاچاقچی در کوهستان یا در قایق یا در کشتی. شهر تبهکارانش را درنده بار می‌آورد، و روح آنها را با فساد آلوده می‌کند. کوهستان و دریا و جنگل آدمیان را وحشی بار می‌آورند و ابعاد توحش را در انسان وسعت می‌بخشند. در تمدن‌ها لحظات هولناکی وجود دارد که قانون جزا به غرق یک انسان حکم می‌کند و جامعه در این لحظات مسئولیت خود را به فراموشی می‌سپارد (بینوایان ج. یک ۱۶۲ و ۱۶۳) برنامه‌های باز پرورانه زندان آن گاه به نتیجه می‌رسد که مجرمان دارای حالت‌های خطرناک متفاوت به صورت جداگانه به گذران حبس مبادرت ورزند. این سازوکار در آموزه‌های حقوق بشری نیز ریشه دارد، زیرا رهاکردن بسترهای مناسب برای از بین بردن نیازها و مشکلات فردی و محیطی بزهکاران و رهنمون شدن به سوی هنجارمندی و هم‌نوایی با مقررات و الزام‌های اجتماعی از حق‌های همه بزهکاران است که در پرتو هدف بازپروری دسترسی به آن امکان پذیرتر است. به همین جهت و برای رسیدن به این هدف و اینکه زندانیان بتوانند در شرایط مناسب و آزادانه در قلمرو زندان به گذران زندگی مبادرت ورزند، جداسازی زندانیان به موجب بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، ماده ۸ قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه رفتار با زندانیان ۱۹۵۵ و ماده ۲۶ قواعد کمیته سازمان ملل متحد در زمینه عدالت کیفری کودکان و نوجوانان ۱۹۸۵ در شمار حق‌های این دسته از بزهکاران قرار گرفته است. به هر روی، بزهکاران محکوم به حبس فقط باید مشمول تدابیر سلب‌کننده آزادی واقع شوند، نه اینکه زمینه‌های دسترسی به دیگر حق‌ها

مانند حق بر متفاوت زندگی کردن از بین رود. همه انسان‌ها از جمله زندانیان حق دارند با آن دسته از شهروندان که از وضعیت رفتاری نزدیک به آن‌ها برخوردارند، در یک محیط زندگی کنند و برای رسیدن به این حق‌ها در بستر زندان، تفکیک مجرمان از مهم‌ترین سازوکارها به شمار می‌رود (نیازپور، ۱۳۹۴).

بند پنجم: تسامح صفر در برابر جرم

تسامح صفر، اصطلاحی در حقوق کیفری است که برای تشریح سیاست اجرای قانون موضوعه به صورت غیراختیاری و غیرصلاح دیدی به کار می‌رود. به نظر عده‌ای، این اصطلاح به معنی اجرای قانون به روش خشونت بار و منسجم، بدون در نظر گرفتن هیچ گونه اغماضی است (آقای نی، جوانمردی، ۱۳۹۰). بعضی دیگر این اصطلاح را به معنی "نابردباری مفرط نسبت به رفتارهای مخالف آداب اجتماعی، نوعاً از طریق اجرای سختگیرانه، غیرقابل انعطاف بدون اغماض قانون می‌دانند. با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت: تسامح صفر به معنای اعمال راهبردها (معمولاً پلیس) ملزم هستند در اقبال افرادی که مقررات از پیش تعیین شده برای حفظ نظم را نقض می‌کنند، بدون توجه به شدت عمل و قصد مرتکبین، واکنش نشان داده و مجازات‌های اجباری را اعمال نمایند. در عمل کرد پلیس "تسامح صفر" بدین معنی است که تشکیلات پلیسی باید قانون را بدون دخالت شخصی و تصمیم‌گیری اختیاری، به‌طور کامل به مورد اجرا گذارند (آقای نی، جوانمردی، ۱۳۹۰). هوگو برای نشان دادن نظام جزایی حاکم بر جامعه‌ی داستان‌ش ژاور را نماینده می‌کند. مهمترین هیولای بینوایان چه بسا برجسته‌ترین پرسوناژی که خلق کرده مامور پلیس ژاور است. رمان سراسر از مثال و ماجراهایی است که نشان می‌دهد کیفرها هیچ گونه تناسبی با جرم ارتكابی مجرم ندارند. بر این اساس سخت‌گیری در سیاست کیفری متضمن شدت‌گرایی بر مجرمان از طریق افزایش میزان مجازات، طول مدت یا میزان درد و رنج آن است که گاه درصدد انتقام از جرم است و گاهی به‌عنوان ابزار کنترل خطر بزهکاری بیش از تناسب جرم و مجازات، عمل می‌نماید (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۲۶ به نقل از جعفریان) این در حالی است که هوگو "فانتین" یکی از شخصیت‌های بینوایان را که در

اثر فقر و برای نگهداری از دختر خردسالش کوزت به فاحشگی رو آورده با متلک مرد جوان اشرافی و انداختن برف در یقه‌ی پیراهنش به او سیلی می‌زند و به شش ماه حبس محکوم می‌شود و همینطور ژان والژان را که برای سیرکردن فرزندان خردسال خواهرش قرصی نان دزدیده به پنج سال حبس با اعمال شاقه محکوم می‌شود. مثال‌هایی هستند که از بی تناسبی کیفر و مجازات پرده برمی‌دارد. وی روسپیگری را به بردگی تشبیه می‌کند و جامعه را مقصر می‌داند "می‌گویند که بردگی در اروپا از بین رفته است، این اشتباه محض است. بردگی همچنان وجود دارد به خصوص در جامعه‌ی زنان و نام آن روسپیگری است. آدمی به علت سرما، گرسنگی، در به دری، بی کسی و درماندگی به بردگی کشیده می‌شود. و او را چون برده‌ای به کار می‌گیرند چه معامله‌ی دردناکی! زندگی برای یک تکه نان، موجود بینوا همه‌ی هستی خود را عرضه می‌کند و اجتماع خریدار آن است (بینوایان ج یک ص ۳۴۸). اختیار این دسته از زنان را قانون، تمام و کمال به دست پلیس سپرده است. پلیس هر طور میلش باشد، آنها را به مجازات می‌رساند. سروان ژاور سنگدل بود و این یکی از مواردی بود که می‌توانست بی هیچگونه نظارت و بازرسی از همه‌ی اختیارات خود استفاده کند. به چشم خود جرم این دختر را دیده بود. اینکه در خیابان و در میان جمع مرد سرشناسی که صاحب ملک و ثروت بود، از موجودی که در اجتماع جایی نداشت، فحش شنیده و کتک خورده بود، مشاهداتش را نوشت و سپس رو به فانتین کرد و گفت: باید شش ماه به زندان بروید." (بینوایان، جلد اول، ص ۳۵۵) به باور برخی این نوع سیاست، موجب فرهنگ سازی بر عدم ارتکاب جرم نمی‌شود و نقش مقطعی داشته و با کاهش قدرت نظارت، میزان جرائم افزایش خواهد یافت، وانگهی عدم تطبیق این سیاست با حقوق شهروندی در جوامع غربی چالش بزرگ این رویکرد است. (جفری، ۱۳۸۴: ۱۷۱ به نقل از جعفریان). انحرافات موجود در جامعه مقارن با تدوین رمان نیز همچون جرایم و حتی بیشتر از آن، تابع نظام طبقاتی است. اعمالی چون ارتکاب فحشا و تجاوز اشراف به دختران و زنان خدمتکار گر چه از منظر هوگو انحرافات اخلاقی هستند اما واکنش جامعه نسبت به این انحرافات، مجازاتی سنگین بدون در نظر گرفتن کمیت و کیفیت می‌باشد. "آقای بازرس از آنها که آنجا بودند پرسید، همه شان گواهی می‌دهند که راست

می گویم. و بسیار با وجودی که مریضم و بی حوصله وقتی مرتباً متلک می گفت و حرف بد می زد سکوت کردم، تا اینکه برف ها را توی تن من ریخت و کفرم را در آورد. توی این سرما وقتی یک مشت برف توی لباس آدم بریزند، معلوم است که نمی شود آرام و خونسرد بود. تقصیر من بود که کلاه آن آقا را له کردم. اما چرا آن آقا در رفت؟ اگر اینجا آمده بود، از او عذر خواهی می کردم. آقای ژاور مرا ببخشید. گوش کنید در زندان فقط روزی هفت "سو" در مقابل کار به آدم می دهند. اما من باید صد فرانک به تناردیه ها بدهم که بچه ام را نگهداری می کنند و گر نه بچه ام را می اندازند بیرون توی سرما. ژاور بی آنکه به زاری و خواری او اعتنایی بکند گفت: "بس است، راه بیفت شش ماه باید در زندان بمانی. اگر خدا هم شخصاً بیاید حکم من عوض نمی شود." (هوگو، بینوایان، ج اول، ۳۵۶، ۳۵۵).

بند ششم: اجرای علنی کیفر اعدام^۱

مجازات اعدام مجازاتی است که سال هاست در تاریخ با چالش هایی در زمینه نقد و نظر مواجهه بوده است. به لحاظ نظری دانشمندان، این مجازات را خلاف نظریه قرارداد اجتماعی (قراردادی که می گوید کسی را می توان کشت که نگهداری او در جامعه ممکن نباشد و هدف نیز حفظ منافع اجتماعی است) هوگو از نظریه پردازان ادبی است، که احساسات، نقد و فریادش را که مجازات اعدام باید لغو شود در آثاری چون آخرین روز یک محکوم و بینوایان هوشمندانه توصیف کرده است وی در نخستین آثارش "دادگاه، زندان، چوبه دار" را به صورت ابزار دستگاه های عدالت دولتی و همچون کابوسی هولناک جلوه می دهد و نظام اجتماعی را متهم می کند که خشونت و توحش را به صورت قانونی و مشروع در آورده است (مجلسی، ۱۳۸۰: ۱۱). در سخنرانی مشهورش در مجلس فرانسه در (۱۵ ژانویه

^۱ - هوگو در سال ۱۸۱۲، وقتی از مدرسه شبانه روزی باز می گشت نخستین بار چوبه ی دار را دید، و تصویر مردی که قرار بود حلق آویز شود، وارونه بر الاغ نشانده بودند و کشیش ها و توبه کنندگان احاطه اش کرده بودند، این صحنه چون آتش در حافظه اش نقش بست. سالها بعد او را بر انگيخت تا با بیزاری از سرکوب های شقاوت آمیز اشغالگران فرانسوی علیه نیروهای مقاومت سخن بگوید چه بسا ضدیتش، با حکم اعدام، که بی امان و خستگی ناپذیر علیه اش مبارزه کرد و یگانه اعتقاد سیاسی اش بود که بی هیچ تزلزل به آن وفادار ماند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتاب (وسوسه ی ناممکن، ماریوس بارگاس یوسا، نشر نیلوفر).

۱۸۵۰) می‌گوید (برای پی‌ریزی جامعه‌ای بکوشیم که در آن کشیش در کلیسای خودش باشد و جای دولت در مراکز کار خودش، نه حکومت در موعظه‌ی مذهبی کشیشان دخالت کند و نه مذهب به بودجه و سیاست دولت کاری داشته باشد، و همچنین مجازات مرگ را فقط مستحق خداوند می‌داند و با این دیدگاه به ذکر حاشیه‌های اعدام از نگاه دین (یعنی اسقف کلیسا) که بر بالین یک اعدامی برای خواندن دعا احضار شده. به تصویر می‌کشد. اسقف برای آمرزش گناهان محکوم به اعدام فراخوانده شد اسقف در لحظاتی که تیغی گیوتین آماده فرو آمدن بود به او گفت: "هر کس را که می‌کشند خداوند به او زندگی دوباره می‌بخشد و هر کس را که از خود می‌رانند پدر آسمانی به او پناه می‌دهد". بعد از فرو آمدن گیوتین اسقف از سکوی اعدام پایین آمد. درنگاهش چیزی بود که مردم را از سر راه او عقب نشانده؛ جریان اعدام آن محکوم در اسقف چنان تأثیر دردناک و عمیقی بر جای گذاشته بود که آن فردای آن روز، روزهای بعد احساس کوفتگی می‌کرد. آرامش و سکونی که در آن لحظات شوم داشت، رفته بود و رؤیای عدالت اجتماعی به جانش افتاده بود و عذابش می‌داد. او که همیشه بعد از انجام فرایض دینی راضی و خشنود به خانه می‌آمد این بار گویی به سرزنش وجدان دچار شده بود گاهی با خود حرف می‌زد و کلماتی به زبان می‌آورد که دلگیر و غم‌انگیز بود. از آن جمله "گمان نمی‌کردم اینقدر وحشتناک باشد، گناه است آدمی آن چنان در اعماق احکام الهی فرو رود که از قوانین و مسائل بشری غافل بماند. مرگ تنها به خداوند تعلق دارد، آدمی به چه حقی در این چیز ناشناخته دخالت می‌کند" (بینوایان، ج یک ۴۱، ۴۰). مخالفت هوگو با این روش مجازات، موافقین و مخالفان آن، با صدایی رسا شنیدنی است در فصل‌های نخستین با نگاه اسقف کلیسا می‌نویسد: "درحقیقت هنگامی که گیوتین در گوشه‌ی میدان بر پا و آماده‌ی کار است، چیزی است و هم انگیز و آدمی تا وقتی که مجازات اعدام را به چشم ندیده باشد، می‌تواند نه موافق آن باشد نه مخالف آن. اما یک بار که فرود آمدن تیغی گیوتین را به چشم دید، باید تکلیف خود را روشن کند و در صف مخالفان یا موافقان آن قرارگیرد گیوتین مظهر درهم پیچیده‌ی قانونی است که آن را "قصاص" گویند گیوتین بی‌طرف نیست و به شما اجازه نمی‌دهد که بی‌طرف بمانید." (هوگو، بینوایان، ج یک، ص ۴۰).

هوگو بارها سیمایی از اعتراض خود علیه این کیفر و سیاست جنایی زمان متقارن با نگارش رمان را در آثار خود^۱ به تصویر کشیده است، به گونه ای که گاهشمار توقع اعدام در فرانسه آغاز می گردد. چنانکه اعتقاد آلبر کامو که در اثرش عمدی ترین قتل توصیف کرده است و می نویسد: "تا زمانی که مجازات اعدام برای همیشه از قوانین حذف نشود صلح و پایداری به وجود نخواهد آمد" (کامو، ۱۳۹۹: ۴۲).

بند هفتم: نهاد عفو (جلوه ای از سیاست مدارا)

در تمامی دوران ها وجوامع گوناگون، مرسوم ترین واکنش در مقابل جرم و قانون شکنی، مجازات مرتکب بوده، اما نهاد عفو نیز از دورانی دور وجود داشته. و در کشور ما نیز یکی از قدیمی ترین بنیاد های حقوق کیفری است که سابقه ی تاریخی آن را می توان به زمان کورش^۲ نسبت داد (ولفگانگ ۱۳۸۷: ۲۳). عفو در اصطلاح حقوق کیفری یکی از عوامل سقوط و یا تخفیف مجازات و نیز ابراز محبت و رأفت به محکومان است که از طرف عالی ترین مقام کشور و یا مرجع قانون گذاری اعطا می گردد و نوعی مدارای سیاسی از سیاست جنایی محسوب می شود (بیگی، ۱۳۹۷). اقسام بخشودگی؛ شامل عفو عمومی و عفو خصوصی است. عفو عمومی توسط قانون گذاران اعطا می شود و نیازمند قانون خصوصی است، ولی عفو خصوصی نیاز به قانون نداشته و توسط بالاترین مقام کشور صورت می گیرد و موجب می شود که تمامی یا قسمتی از مجازات عفو شود (شهریاری، ۱۳۹۶). جلوه ای از درک و پذیرش این نهاد در تاروپود رمان با شیوه ای متفاوت نمایان است. نویسنده رمان برای نشان دادن امتیاز عفو، که به گفته ی بکاریا زیباترین امتیاز دربار است روایت داستان را به سوی اسقفی می برد که با بخشش در تغییر بنیادی ژان والژان که سخت ترین نوع کیفر او راتنبیه نساخت، نقش کلیدی دارد. بینوایی را معرفی می کند که سال های زندان و تنبیه تغییرش نداد و او پس از بیرون آمدن از زندان

^۱ - هوگو در داستانی بنام "آخرین روز یک محکوم" با صدایی رساتر علیه این کیفر فریاد زده است.

^۲ - در کتاب های تاریخ ایران باستان آمده کورش کبیر پس از تسخیر بابل اعلام عفو عمومی نمود. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کورش کبیر، ویلهم ولفگانگ، ترجمه کریم طاهر زاده.

مجبور به بازگشت به زندگی قبلی خود شد، جامعه نیز پس از گذراندن محکومیتش فرصت بازگشت نمی‌داد. تا این که ژان والژان پس از دزدی از کلیسا با اسقفی مواجه شد که نه تنها او را محکوم نکرد، بلکه با بخششی که حق او نبود به او فرصتی برای عوض شدن داد. وقتی مأموران والژان را با ظروف دزدیده شده دستگیر می‌کنند و به کلیسا برمی‌گردانند، اسقف ظروف نقره به سرقت رفته را هدیه‌ای اعلام می‌کند که به والژان بخشیده است. "اسقف نزدیک والژان رفت و آهسته گفت: "فراموش نکنید، هیچ وقت فراموش نکنید که به من قول دادید وجوه این نقره‌ها را در راه درست خرج کنید و مرد شرافتمندی شوید. "ژان والژان که به یاد نمی‌آورد چنین قولی داده باشد، مبهوت مانده بود و اسقف با لحنی باوقار، و با تکیه روی هر کلمه، گفت: "برادر عزیزم ژان والژان! بعد از این شما دیگر به بدی وابسته نیستید و به خوبی پیوسته‌اید. من روح شما را خریده‌ام تا افکار سیاه را از آن بیرون کنم، و آن را به خداوند بسپارم. " (هوگو، بینوایان، ج یک ص ۱۹۶). از آنجایی که سیاست جنایی در معنای موسع، تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی را در نظر می‌گیرد بنابراین تفکر سیاست جنایی کلید و تدبیری است که در مقابل جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود (قیاسی ۱۳۸۵: ۴۵) محکوم در این اثر بعد از گذراندن کیفری طولانی و سخت با دو نگاه متفاوت به خود روبروست. پدر روحانی در کلیسا که بدون توجه به گذشته‌اش او را می‌پذیرد و در مقابل گناه آمرزش از خود فیض نشان می‌دهد و بر این باور است، آن کسی که وجدان دارد اگر به اشتباه خود پی ببرد، رنج می‌کشد این خود بیش از اعمال شاقه برایش مجازات دارد و از نگاه سروان ژاور مجرم مستحق تنبیه است، حتی اگر تبدیل به شخص دیگری شده باشد. در فصلی از رمان که زمزمه‌های انقلاب در فرانسه به گوش می‌رسد جنگی بین جوانان مخالف حکومت مستبد ناپلئون و ارتش مقتدر او درمی‌گیرد و در این میان ژاور به دست انقلابیون به اسارت گرفته می‌شود. انقلابیون ژاور را به دست والژان می‌سپارند تا او را بکشد ولی والژان که طعم شیرین بخشیده شدن را چشیده، ژاور را می‌بخشد. ژاور با چالشی جدید روبروست، اینکه قانون و اخلاق ممکن است متفاوت و یا متخاصم باشند او را در هم می‌شکند و در نهایت خود را به رود سن می‌سپارد و خودکشی می‌کند. ژاور به برکت

بخشیدن ژان والژان چه چیز را کشف می کند؟ ژاور می فهمد که نیکی هست خدا هست درواقع به وجود حقایق متناقض، ارزش های ناسازگار باهم، درهم آمیختگی ناسازگار خیر و شر در بعضی تجربه های انسانی پی می برد و درک این نکته و کشف این مطلب که در درونش چیزی هست که به آن تسلط ندارد، ژاور را در هم می شکند و موجب چرخشی در درونش می شود که او را به خودکشی می کشاند" (یوسا، ۱۳۷۸: ۲۰۲). از این رو توجه به سیاست جنایی بدون در نظر گرفتن علت شناسانه ی بزه کاری در عرصه جرم شنایی کارآیی چندانی نخواهد داشت. و هوگو نیز جلوه های سیاست جنایی معاصر خویش را از بعد روانشنایی جنایی و جرم شناسی مضاعف شرح می دهد. متولیان سیاست جنایی، که به ساختارهای موجود در تبیین علت شناسانه توجهی ندارند، قطعاً موفقیت چشمگیری و گام مؤثری در تدبیر و چاره اندیشی پدیده جنایی بردارند (جعفریان: ۱۳۹۷).

نتیجه گیری

خلق اثر گران قدر "بینوایان" انتقادی به بی عدالتی های اجتماعی، فقر و فلاکت مردم فرانسه، در واقع شکوه هایی از سیاست جنایی حاکم بر زمان ویکتور هوگو است. که در نشان دادن سیاست های سخت گیرانه در قبال جرائم خرد، بسیار فعال عمل کرد به گونه ای که توانست مانند غده ای در درون مردم ضعیف جامعه رشد کند و به تدریج منجر انقلاب کبیر فرانسه شود. همین طور با بررسی کیفرهای نامتناسب نسبت به عمل بزه کار مانند دزدیدن یک تکه نان و پنج سال حبس با اعمال شاقه نه تنها بارقه ای از سیاست جنایی عمل گرا در جوامع کنونی، بلکه بازتاب نظریات جرم شناسی نظیر برچسب زنی و نظریه مورتن جامعه شناسی کیفری و جنایی نیز در اثر هویدا ساخت. وی با به تصویر کشیدن وضعیت نابسامان زندان و زندانیان، شکنجه و آزار و اذیت متهمین و مجرمین، نقض حقوق انسانی و لطمه به کرامت افراد بشر توسط نظام سیاسی حاکم اصل قانون مندی جرائم و مجازات ها و اصل برائت را تحت شعاع خود قرار داده و مشروعیت نظام حاکم را زیر سؤال برد. تأثیر عفو و بخشش در جایی که قانون پس از اعمال کیفرهای سخت ناتوان از اصلاح مجرم است، و همچنین واکنش به کیفر اعدام از نگاه دین و شریعت از نموده های مهم اثر مذکور است که مورد

توجه نویسنده بوده‌اند. با واکاوی در مفاهیم فصل به فصل داستان می‌توان ادعا کرد با تمرکز بر علت‌های اجتماعی جرم و اوضاع و احوال حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی بزهکاران، سیاست کیفری انسان‌مدار در مجازات بزهکار گاهی می‌تواند بسیار سودمند تر از کیفرهای سخت واقع شود. همچنین نقش ادیبان در شکل‌گیری به سیاست‌ها جنایی در جامعه می‌تواند تاثیر به سزایی داشته باشد. به عقیده نگارنده دستگاه قضایی به عنوان یکی از ارکان دولت نمی‌تواند نسبت به مقوله‌ی فرهنگ بی‌تفاوت باشد، از آنجاکه سیاست جنایی در معنای موسع تنها به اقدامات کیفری بسنده نمی‌کند و تدابیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی را نیز در برمی‌گیرد در نتیجه می‌توان از میان ابزار فرهنگی سیاست جنایی به ادبیات پناه برد. ادبیات و داستان می‌تواند بعنوان یک منبع برای هنجارهای حقوقی کارآمد باشد حقوقدان نباید نسبت به ادبیات و تاثیر آن بی‌توجه باشد (alshiban, ۲۰۱۳: p۶۱).

امکان دارد که سایر آثار هنری مانند موسیقی، نقاشی، سینما و... بر سیاست کیفری انسان‌مدار در مجازات بزهکار تاثیرگذار باشد اما هیچ کدام تاثیرگذاری اخلاقی ادبیات را ندارد. چراکه هر اثر هنری خلق می‌شود، طرحی که نقاش می‌کشد، فیلمی که ساخته می‌شود و پس زمینه‌ی یک داستان بوده است. ابتدایی‌ترین و عمیق‌ترین رابطه‌ها با داستان شروع می‌شود، داستان انقلاب نیست اما می‌تواند در فرهنگ‌سازی انقلاب بیافریند. (stern, ۲۰۱۴: p۴۲) مگر نه کلبه‌ی عمو تام اثر هریت بیچر^۱ بردگانی را که سال‌ها از آزادی محروم بودند رها کرد. همان‌طور مرگ رستاخیز تولستوی^۲، رستاخیزی در "قانون روسیه" به پا کرد و آدم‌های را که زیر قانون تزار له می‌شدند بلند کرد. پاییز پدرسالار اثر مارکز^۳ پاییز دیکتاتوری را برای همگان به‌نمایش درآورد و بینوایان، بی‌نوایی را از زیر سنگ‌فرش‌های فرانسه بیرون آورد و به نمایش کشید و نشان داد بخشش و فرصت دوباره دادن می‌تواند زندگی ژاوان والژان‌های بسیاری را تغییر دهد و انقلاب بیافریند. "ادبیات و حقوق به دلیل زمینه ساز فطرت انسانی و عنوان ساختار تحقیقاتی شان، انسان و جامعه را

۱- Harriet Beecher Stowe

۲ - Leo Tolstoy

۳ - Gabriel García Márquez

مورد هدف قرار می دهند و در نتیجه می توان گفت محتوای اساسی این دو علم در برخی موارد هم پوشانی دارد (li, ۲۰۰۸:pv۰) سیاست جنایی نیز با تکیه بر فرهنگ و داستان نیز می تواند جان بگیرد، چراکه در داستان ظلم فرومی ریزد. بنابراین پیشنهاد می شود از آنجایی که مسئله جرم و مجازات دغدغه ی نویسندگان نیز هست و اهمیت تحلیل محتوا در آثار ادبی، سیاست گذاران علوم جنایی به فرهنگ سازی جرم شناسی ادبی توجه بیشتری نمایند. چرا که با مقایسه حقوق و ادبیات، مشخص می شود که چگونه دو موضوع مختلف یکپارچه می شوند و مردم قانون و مسائل حقوقی را از طریق این آثار فرامی گیرند و حتی آثار ادبی توسط مردم عادی موجب می شود؛ آن ها بیشتر به بشریت و جامعه حساس باشند. همچنین پیشنهاد می شود از آنجا که در مواردی، عفو محکومان و حفظ حیثیت اجتماعی ایشان آثار سازنده تر و مفیدتری نسبت به اجرای مجازات دارد و امنیت و آسایش جامعه را بهتر تأمین می کند این مورد بیشتر مورد توجه مقنن قرار گیرد. از آنجایی که تبدیل کیفر در حال حاضر بنابر قوانین موضوعه از اختیارات دادگاه و مقام قضایی است. و مصادره آن توسط مقامات اداری و اجرایی قوه قضاییه بر خلاف قانون بوده و به استقلال قضات و نیز استحکام آرای دادگاه خدشه وارد می کند. در تعیین شرایط برای تقاضای عفو تدابیر سهل تری اتخاذ شود و اختیارات کلی و مطلقی که به رییس قوه قضاییه اعطا گردیده محدود گردد.

حسن ختام کارمان را با نیتی که رمان می خواهد آن را مادیت ببخشد پایان می دهیم.

هیچ چیز کوچک نیست و همه چیز بر همه چیز اثر می گذارد.

ویکتور ماری هوگو.

منابع و مآخذ

- آرنت، هانا (۱۳۹۹)، ریشه‌های توتالیتاریسم، قابل دسترس در سایت انجمن تخصصی علوم سیاسی: <https://www.ulumsiasi.blogspot.com>
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ه.ق)، انتشارات بیروت، چاپ اول.
- آقایی نیا، حسین و جوانمردی، بهروز (۱۳۹۰)، «سیاست کیفری سخت‌گیرانه در قبال جرائم خرد در پرتو راهبرد و تسامح صفر با تأکید بر حقوق کیفری ایران و آمریکا»، فصل‌نامه دانش انتظامی، سال ۱۳، شماره ۲.
- آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ایمانی، عباس (۱۳۸۲)، جرم‌شناسی در ادبیات، تهران؛ انتشارات آرویح، چاپ اول.
- بولوک، برنارد (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، برگردان علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران؛ انتشارات مجد، چاپ پنجم.
- بیگی، محمود (۱۳۹۷)، «بررسی سیر تقنینی عفو در نظام حقوقی ایران با نگاهی به موازین حقوق کیفری بین‌الملل»، فصل‌نامه مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، شماره یک دوره چهارم.
- پرستش، رضا و موسوی، شهاب‌الدین (۱۳۹۶)، «تحول سیاست جنایی در پرتو رویکرد فرهنگی»، پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، سال نهم، شماره اول.

- جعفریان، سید حسن و رستمی، هادی (۱۳۹۷)، «گفتمان، سیاست جنایی و جرم‌شناسی در آخرین روز یک محکوم»، پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان، سال ۹، شماره ۱۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران؛ انتشارات گنج دانش، چاپ نهم.
- جفری، رسن (۱۳۸۶)، نگاهی به سیاست تسامح صفر، ترجمه جلال الدین قیاسی، نشریه فقه و حقوق، شماره ۴، ص ۱۷۳-۱۸۴.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۷۶)، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- میری دلماس، مارتی (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی آبرند آبادی، جلد نخست، تهران؛ نشر میزان، چاپ اول.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- شهریار، اکبر (۱۳۹۶)، «بررسی مبانی، آثار و شرایط انواع عفو با نگاهی به قانون مجازات جدید»، فصل‌نامه علمی حقوقی قانون یار، سال ۲، شماره ۷.
- صادقی رام رقیه و نجفی، رحمان (۱۳۹۴)، «گفتمان سیاست جنایی رمان رستاخیز»، دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی. قابل دسترس در سایت: <http://civilica.com/doc/۴۴۸۴۸۵/>.

- طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، «سیاست کیفری سخت گیرانه»، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- عظیم زاده، اردبیلی و حسلی، ساره (۱۳۹۱)، «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن»، مجله تعالی حقوق، سال ۴، شماره ۱۵.
- عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی عمید، تهران؛ انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم.
- قیاسی، جلال الدین، (۱۳۸۵)، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- کامو، آلبر (۱۳۹۹)، تأمل درباره گیوتین، مترجم قاسم افشار، تهران؛ انتشارات فرهنگ جاوید، چاپ اول.
- کسمایی، بهروز (۱۳۷۵)، «نقد و بررسی کتاب بینوایان و یکتور هوگو»، مجله وحید، شماره ۲۳۶.
- لازرژ، کریستین (۱۳۷۵)، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران؛ انتشارات یلدا، چاپ اول.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۱)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران؛ انتشارات گنج دانش چاپ نهم.
- ماریو بارگاس، یوسا (۱۳۷۸)، ویکتور هوگو و بینوایان، ترجمه کاوه میر عباسی. تهران؛ انتشارات نیلوفر، چاپ اول.
- مالوری، فیلیپ (۱۳۸۱)، ادبیات و حقوق، ترجمه‌ی دکتر مرتضی کلانتریان، تهران، انتشارات آگاه چاپ اول.

- مجلسی، محمد (۱۳۸۰)، مترجم بینوایان، مقدمه، ص یازده، جلد اول، چاپ هشتم.
- معظمی فراهانی، بیتا (۱۳۸۷)، «ویکتور هوگو، نویسنده قهرمان پرور یا قهرمان سخنوری»، مجله نقد زبان و ادبیات خارجی، شماره ۱ ص ۱۲۴.
- نجفی آبرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، تقریرات درس جرم شناسی حقوقی، جزوه درسی دانشکده حقوق شهید بهشتی به کوشش سودابه رضوانی و مرضیه سادات آقامیرسلیم.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، مباحثی در علوم جنایی، به کوشش شهرام ابراهیمی، تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری، تنظیم مهرداد راجیان اصل، ویراست هفتم.
- نجفی آبرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، تقریرات جرم شناسی، جزوه درسی دوران کارشناسی دانشکده شهید بهشتی.
- نجفی آبرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۳)، دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم، نشر میزان جلد اول.
- نیاز پور، امیرحسین (۱۳۹۴)، «تحلیل جرم شناسانه‌ی جداسازی زندانیان در پرتو آیین نامه نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان»، مجله‌ی حقوقی دادگستری، سال ۸۰، شماره ۹۶.
- ولفانگ، ویلهم (۱۳۸۷)، کورش کبیر، ترجمه کریم طاهر زاده بهزاد، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول.
- هوگو، ویکتور ماری (۱۳۸۰)؛ رمان بینوایان، جلد اول، دوم، سوم، چهارم، چاپ هشتم، ترجمه محمد مجلسی، تهران، انتشارات دنیای نو.

- Alshiban, Afra saleeh, (۲۰۰۳), Explorung criminaology in literary texts: Robert Browing anExample; jordan journal of Modern languages and Literature. Vol.۵. no.1.
- Stern, Simon (۲۰۱۴); Law anda Literature, P Uncorrected proof _Firstproofs, Mon Jol ۱۴, Newgen.
- Li_ching Achang. (۲۰۰۸); The research of comparison between Law and literature as illustrated by kafka the trial, National taiwan University Law reiew.



جهاد دانشگاهی



دانشگاه رهنورد

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان) (موسسه بین المللی icsi world of journals/ورشو/لهستان) (انجمن علمی بین المللی citefactor/citefactor/آریزونا) برگزار می کند:



Academia.edu



TBBIN.com



CiteFactor



Symposia



JREF.IR



DRJI



CIVILICA



CONF PAPER



ESJI



ICI WORLD OF JOURNALS



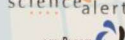
Baltamayash.com



science alert



easyPapers



CONF



INDEX COPERNICUS



کنفرانس یار

همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش های اجتماعی

محوres هاك همایش:

* مقالات در گرایش های حقوق خصوصی، حقوق جزا حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و

* مقالات در گرایش های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی

* مقالات در گرایش ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش های ارسال مقالات به همایش:

* ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com

* ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

داوری زود هنگام مقالات

استان تهران-موسسه قانون یار

جهت تقویت رزومه داوطلبان آزمون دکتری اساتید دانشگاه، قضات، وكلا

دیرخانه: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲ واحد پذیرش مقالات: ۰۲۱-۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶ واحد صدور گواهی نامه: ۰۲۱-۴۴۴۴۱۷۶۴ و ۸۴ مشاور و راهنمای ارسال مقالات: ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵-۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

www.Chanonyar.ir www.Olomensani.ir





ده تئدیس مخصوص همایش به همراه آه تقدیرنامه برای ده مقاله برگزیده و برتر همایش بر اساس نظر سردبیر و هیات داوران

به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده تئدیس به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه ها و سایت های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوری مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.